

آیین بندگی در نظام تربیت ناب حسینی مبتنی بر دعای عرفه

محمد جواد مکرم سائل *

دکتر سعید بهشتی **

دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۱۶

پذیرش نهایی: ۹۱/۴/۲۵

چکیده

برای دریافت آیین بندگی برخاسته از الهامات ربانی اولیای الهی، نگاهی محدود در حد این مقال بر ژرفای دعای سرشار از گوهر عرفان ناب حسینی و برخی سیره و سخنان دیگر آن الگوی کامل تربیت و بندگی عرفانی به عنوان مسئله اصلی تحقیق داشته است. از زاویه فلسفه آفرینش انسان، که همانا عبودیت و بندگی خداست براساس سخن حضرت امام حسین (ع) با تعبیر "إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ" "معرفة الله، کمال بندگی در تربیت عرفانی تعریف شده و در قالب محورهای چهارگانه آیین بندگی با الهام از مضامین دعای عرفه بیان می شود که عبارت است از: ۱- مملوکیّت و مقهوریّت مطلق ۲- تعلق و نیاز مطلق ۳- تفکر در آثار و آیات و ذکر و شکر مدام ۴- شرم نقصان و استغفار مدام و در پایان، طی جمع بندی نهایی این مقال، سیر تکمیلی مرامنامه بندگی و سلوک عارفانه برگرفته از یافته ها و مضامین دعای عرفه و سخنان حضرت تحت عناوین ۱- حقیقت بندگی معطوف به فلسفه آفرینش ۲- محبت و عشق عبودیت رهیافت معرفت الهی ۳- اطاعت محض و تسلیم مطلق اوامر و نواهی الهی ۴- عشق و محبت به بندگان و مخلوقات حضرت پروردگار ۵- تجلی وجه اجتماعی بندگی در تلاش برای تحقق حاکمیت دین خدا مشخص و برشمرده شده است. **کلید واژه ها:** بندگی و رابطه آن با اخلاق، عرفان در دعای عرفه، تربیت عرفانی براساس دعای عرفه.

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

mokaram90@yahoo.com

** دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

Beheshtisd@gmail.com

مقدمه

"عالم هستی با همه مراتب لاهوتی، جبروتی، ملکوتی و ناسوتی آن به مصداق *فَأَيْنَمَا تُولُوْنَ فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ* (بقره/۱۱۵)، مظهر و مجلای پروردگار یکتا و به مصداق *إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ* (اسرا/۴۴)، بدون استثنا در تسبیح و تحمید خدای متعال است" (بهشتی، ۱۳۸۶: ۳۳).

انسان به عنوان اشرف مخلوقات و محور آفرینش عالم و بهین جلوه قدرت قادر متعال، بین تمام موجوداتی که هر کدام آیه ای از آیات الهی به شمار هستند، جایگاه ممتازی دارد و به مصداق *لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ* (اسرا/۷۰) به تکریم خدای سبحان مکرم شده است؛ کمالی غیر از محقق ساختن فلسفه آفرینش ندارد و همانا در طی مسیر کمال وجودیش به استناد آیه *مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ* (ذاریات/۵۶)، مقصدی جز عروج به آستان آن ذوالجلال و جبین سایی به درگاه قادر متعال ندارد؛ لذا حقیقت بندگی در نظام تربیت عرفانی، فرایندی در راستای راهیابی به حدّ وسع آدمی به ذات و صفات حضرت باری تعالی و آن مقصد متعالی است. قطعاً این مهم در پرتو شناخت خدا و ایمان به او، که در روایات به *معرفة الله* تعبیر می شود، میسر است و این معرفت سنگ بنای اسلام، و از ارزش والایی برخوردار است. امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: *معرفة الله سبحانه أعلى المعارف*: معرفت به خدا، بلند مرتبه ترین معرفت است (داودی، ۱۳۷۸: ۳۸).

بنابراین با استناد به آموزه های وحیانی و مضامین روایات با ترسیم چشم انداز کمال و سیر تحقق و رسیدن آن غایت متعالی به جایگاه بندگی برخاسته از تربیت عرفانی، که متضمن کمال معرفت به ذات حضرت باری تعالی است، می توان پی برد. از این رهگذر، برتری *معرفة الله* در باب تربیت عرفانی، به عنوان رکن استوار تربیت دینی و در برگیرنده همه آموزه های دینی آشکار می شود. از سوی دیگر از آنجا که " پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) به عنوان بزرگترین مربیان الهی، همین هدف را دنبال می کردند " (همان) و " شأن ایشان هدایتگری و تعلیم و تربیت است و این شأن در رفتار آنان بیشترین تجلی را داشته است، ذخیره گرانها در باز شناسی و پژوهش تربیت اسلامی هستند " (داودی، ۱۳۷۸: ۵). ابعاد وجودی ایشان، سنت و سیره زندگی فردی و اجتماعی، آموزه های مستقیم و سایر آموزه های ایشان در قالب نامه ها، دعاها، مناجات و ادبیات زیارات ایشان، منبع غنی و سرشار از حکمت و معرفت است که باید در پژوهشهای تربیتی به عنوان منابع دست اول و ترجمان تربیت وحیانی، مورد بهره برداری قرار بگیرد.

از جمله دعاها و مناجات سرشار از مضامین بلند و والای عرفانی، دعای عرفه حضرت امام حسین (ع) است که با تعبیر متعالی عرفانی، روح و جان هر عاشق دلباخته و تشنه معرفت را به دریای معارف توحیدی رهنمون می‌سازد و به اعتقاد پژوهشگر بحق، منبع گرانبمایه ای در راستای آرمان متعالی پردازش فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و فرایند سیاستگذاری نظام آموزشی و تربیتی به شمار می‌رود؛ به همین دلیل موضوع این پژوهش، " آیین بندگی در نظام تربیت ناب حسینی مبتنی بر دعای عرفه " تعیین شده است .

مسئله تحقیق

قرآن، فلسفه آفرینش آدمی را بندگی و عبودیت خدا بیان کرده است: مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا بندگی کنند (ذاریات/۵۶). تربیت، فرایند و " جریانی منظم و مستمر در جهت پرورش و شکوفا ساختن استعداد های افراد به سوی هدف های کلی و غایی " (رئسی، ۱۳۸۰: ۸) است برای رسیدن به کمال و غایت مبتنی بر فلسفه آفرینش انسان. خداوند متعال ذات و سرشت آدمی را مشخصاً مبتنی بر فطرت خدا جویی تعبیر کرده است: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: پس حق گرایانه به سوی این آیین روی آور؛ همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. تغییری در آفرینش خدا نیست. آیین پایدار همین است ولکن بیشتر مردم نمی دانند (روم/۳۰). " امام باقر (ع) در تفسیر این آیه فرمودند: خداوند سرشت انسانها را بر معرفت و شناخت خود عجز کرد " (بهرام پور، ۱۳۸۷: ۴۰۷) و این جای تأمل است که در بیان معصوم (ع) عبودیت به معرفت، تعریف و تفسیر شده است.

نتیجه اینکه زندگی عرصه و مسیر حرکت از آن سرشت و شکوفایی و دستیابی به چنان هدف متعالی است و " انسان در زندگی، وظیفه ای جز پیمودن راه نزدیکی به خداوند و پیشه کردن بندگی و تواضع در مقابل خدا ندارد. انسان باید در جایگاه نیاز بایستد و علامت بندگی را در خود آشکار سازد؛ به پروردگار عزت روی کند و متوجه ساحت بزرگی و عظمت او شود " (ملکی تبریزی، ۱۳۷۵: ۲۰).

با اشارتی مختصر، که به فلسفه آفرینش و سرشت آدمی و دورنمای هدف والای کمال زندگی

و مسیر حرکت بشر، یعنی رسیدن به خدا شد و با اعتقاد به حکمت و کمال ذات وجودی و ربوبی آن قادر و مدبّر و حکیم، می توان از آموزه های آیینش دریافت که برای تحقق فلسفه آفرینش بشر، قطعاً برنامه حرکت در آن مسیر را فراوی بشر قرار داده و در تکمله لطف و هدایت ربوبی خویش، راهنمایان و مربیانی هدایتگر را معین فرموده است تا متضمن صحت و سلامت راهگذار عبودیت و دستیابی به هدف فرجامین آفرینش و رسیدن به چکاد کمال انسانیت باشند؛ هم چنانکه خدای سبحان در قرآن، دین را برنامه هدایت انسان معرفی کرده است: *قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ*: بگو مسلماً پروردگرم مرا به راه راست، دینی استوار که همان آیین ابراهیم حق گراست، هدایت نمود و او از مشرکان نبود (انعام/۱۶۱).

قرآن در همین راستا پیامبران را راهنمایان هدایتگر و پیامبر خاتم (ص) را "اسوه حسنه" و الگوی کامل معرفی کرده است: *لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا*: قطعاً برای شما در [رفتار] رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند (احزاب/۲۱).

تأکیدهای چند باره بر دین به عنوان برنامه زندگی و تصریح آشکار بر جامع بودن قرآن برای هدایت و سفارش به پیروی از پیامبر(ص) و اولیای الهی به عنوان اسوه نیکو و مطهر و اشارت فراوان به پیوستگی جدا ناشدنی "عمل صالح با ایمان" در قرآن از سوی خداوند، این حقیقت را به ذهن متبادر می سازد که برای دستیابی به هدف آفرینش و سعادت بشر، برنامه و مسیر حرکت در پرتو تلاش و عمل، مبتنی بر درک حقیقت بندگی و شناخت درست دین، ضروری است و صرفاً باید از جایگاه ربانی و آستان ربوبی حضرت احدیت، طلب و دریافت شود؛ با این وصف، مسئله این تحقیق، مرانامه و الگوی مشخص کاربردی برای رسیدن به آیین بندگی است که به باور پژوهشگر خلأ و نبودن دستورالعمل واحد و یا به عبارتی عدم شناخت و دریافت صحیح از دستورالعمل و الگوی عملی و کاربردی ملهم از سیره و سخنان و رهنمود برگزیدگان الهی است که به بروز و ظهور گروه ها و فرقه های متعدد انحرافی در مسلک عرفانی و درجات متفاوت بندگان در مسیر طی طریق و سلوک بندگی مطلوب الهی شده است؛ لذا سؤال اصلی چنین مطرح می شود که: "تعریف بندگی و الگوی نظام مند تربیت عرفانی در دعای عرفه امام حسین (ع) چیست؟"

سؤالات تحقیق

- ۱- تعریف بندگی در نظام تربیت عرفانی از دیدگاه امام حسین (ع) مبتنی بر دعای عرفه چیست؟
- ۲- مراحل بندگی در الگوی نظام مند تربیت عرفانی از دیدگاه امام حسین (ع) مبتنی بر دعای عرفه چیست؟

ضرورت تحقیق و جستجوی حقیقت عبودیت در رهیافت الگوی تربیت عرفانی

کمال مطلوب تحقق هر عمل به درک صحیح از روح و محتوا و هدف مشخص از آن نیازمند است و به این دلیل که تربیت اسلامی، آرمانی جز رسیدن به خدا و مقام تقرب به درگاه ربوبی ندارد، فصل نخستین آن، شناخت خداست و تربیت عرفانی ضرورت نخستین تربیت دینی است. تربیت عرفانی به شناختی برتر از شناخت عقلی و ابزار درک محسوسات معطوف است.

عرفان حقیقی، حقیقت و موهبتی فراتر از یافته های انسان با عقل ناقص است که همه در معرض توهمات انسانی و القانات شیطانی است؛ عرفانی است که از سرچشمه وحی بهره مند، و از هدایت اولیای الهی سیراب، و از هر شائبه خطا و انحراف، مبرا و در امان است. اوج عرفان حقیقی یعنی کشف حقائق عالم و آنچه در آن است؛ یعنی راهیابی به ذات و صفات خداوند و طلب معرفت به او از خود او. عرفان حقیقی یعنی کاملترین معارف ربوبی که با عقل و شهود انسانهای عادی قابل درک نیست.

امام حسین (ع) در دعای عرفه عرضه می دارد: "یا مَنْ لَا یَعْلَمُ کَیْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ یَا مَنْ لَا یَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ".

تربیت در آیین آموزه های وحیانی دائر مدار توحید است و در بیان پیشین حجت خدا حضرت اباعبدالله (که کلام و مناجات روحنازش مبنا و هدایتگر روح و محتوای این جستار علمی و پژوهش است.) هم آمد که فلسفه آفرینش، معرفت به ذات باری تعالی است.

توحید عبادی صراط مستقیم الهی است که انسان از راه آن متأله می شود و صبغه و رنگ الهی به خود می گیرد؛ بلکه در حد خدایی شدن پیش می رود و در این مسیر به منزلت «قاب قوسین او ادنی» می رسد که نزدیکتر از این شدن برای هیچ موجودی متصور نیست به گونه ای که میان خدا و انسان متأله، جز پرده عبودیت و الوهیت نمی ماند.

بدیهی است عبادت و اطاعت، خاص انسان نیست و همه موجودات هستی نسبت به خداوند، اهل سجود و عبادت هستند ولی عنصر امتیاز انسان، بهره مندی از گوهر اندیشه و جوهر تعقل در راستای شناخت و معرفت حضرت باری تعالی است. بنابر این آگاهی و شناخت انسان نسبت به فلسفه هستی و بویژه آفرینش انسان می تواند زمینه و بستر مناسبی برای توحید عبادی انسان باشد و آن نیز با شرح و اشارتی که گذشت بر تربیت عرفانی مبتنی است. بدین منظور، مطلوب این تلاش علمی، دستیابی به آیین بندگی در نظام تربیت ناب حسینی برای دستیابی به مرامنامه هدایت ربّانی و بندگی ناب عرفانی به عنوان رسالت اصلی نظام اسلامی و حکومت دینی است.

روش شناسی و نوع تحقیق

این تحقیق که با تکیه بر مبانی اعتقادی و روایات و سیره امام حسین (ع) بویژه با تأکید بر دعای عرفه، اصول و قواعد کلی نظام بندگی را استخراج می کند از نوع بنیادی، و به این دلیل که حوزه عملی گردآوری اطلاعات آن، منابع کتابخانه‌ای و مبنای تجزیه و تحلیل در آن، استنباطی و استدلال عقلی است، جنبه بنیادی نظری می یابد.

در این تحقیق با استفاده از منابع دست اول چون قرآن، روایات، سخنان امام حسین (ع) و متن دعای عرفه به توصیف مضامین و عوامل مورد نظر در تعریف جامع بندگی در قاموس تربیت عرفانی پرداخته می شود و با روش استدلالی و استنباطی با روش تحقیق و مطالعه کتابخانه‌ای، مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

ملاک و معیار تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات گردآوری شده این پژوهش، آموزه های وحی و روایاتی است که همگرایی محتوایی با آن دارند و در حوزه موضوع تحقیق، مبنی بر سخنان و ادبیات حضرت امام حسین (ع)، در خطبه ها و سخنان کوتاه و سیره عملی ایشان است.

از جمله تأکیدات حضرت ایشان، تطبیق هر نقل روایی از ایشان با قرآن و در صورت مطابقت، مورد پذیرش و عمل و استناد قرار دادن، و از این دیدگاه است که در گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل، مجموعه ای از آیات و تفاسیر و مفاهیم و موضوعات مرتبط با موضوع و یافته های تحقیق نیز جمع آوری شده و نتایج با انطباق با آن، مورد توجه قرار گرفته است.

از سوی دیگر بر اساس آموزه های دین، هماهنگی معنا داری بین قول و رفتار انسان کامل

وجود دارد و شخصیت ائمه طاهرين (ع) نیز الگوی تام انسان کامل در طول زمان هستند، یافتن رابطه منطقی و استناد قول به رفتار ایشان و استناد به رفتارشان برای معیار عملی و کاربردی گفتارشان از روشهای تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش در راستای ارائه الگوی تربیت عرفانی است.

البته درک الگوی کامل بندگی در تربیت عرفانی، تنها در افق علم حضرات معصومین (ع)، قابل ترسیم و تعریف است و البته، این به معنای ایجاد روح یاس و ناامیدی در غور و غواصی در این بحر بیکران نیست و در هر زمانی، حجتی از پروردگار، نور معرفت را [فراخور ظرفیت وجودی، میزان تزکیه و طهارت روح و جان و منتهای همت و طلب]، افاضه خواهد کرد و این مهم بر اساس آیه وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (عنکبوت/۶۹) و "لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ اِنَّمَا هُوَ نُوْرٌ يَفْعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيْدُ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اَنْ يَهْدِيَهُ" (مجلسی، ج ۱) وعده الهی است.

جایگاه ائمه طاهرين (ع) به عنوان الگوی کمال عبودیت در آیین کلام وحی

اولیای الهی به عنوان تنها تالیان و مفسران و ترجمان عملی زلال وحی با بهره مندی از علم الهی، منحصرأ شایسته ترین هدایتگر و منادیان تربیت ربّانیند.

خداوند در قرآن می فرماید: " همه چیز را در امام آشکار کننده ای بر شمرده ایم " (یس/۱۲). امام حسین (ع) در تفسیر آن فرمودند: حضرت رسول خدا(ص) فرمود: مراد از امام مبین امیرالمؤمنین (ع) است؛ بی تردید او همان امامی است که خدای (تبارک و تعالی) در وی علم هر چیزی را به شماره در آورده است (صدوق، ۱۳۸۴: ۹۵).

کلام و اشارات آن حضرت، از خطبه های هدایتگرانه تا سخنان و جملات حکیمانه و از جمله مناجات حضرت ایشان، سرشار از روح پیام قرآن و بعضاً، نقل کلام وحی است و حتی سیره و سنت الهام بخششان در بردارنده رمز و راز هستی و زندگی جاوید و حقیقت بندگی و خداپرستی است.

در این رهگذار، نقش الگویی و هدایتگر اولیای الهی، مبرهن و متیقن و ذخایر علمی و معنوی ایشان، جایگاه اساسی دریافت دستورالعملهای عملی فرایند تربیت دینی است؛ چرا که به گواهی تاریخ، پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع)، بزرگترین و موفقترین مربیانی هستند که بررسی راه و

روش تربیتی ایشان می تواند راهگشا باشد (داودی، ۱۳۷۸: ۱۸)؛ این راه و روش در سیره ایشان تبلور یافته است.

ژرفای مناجات معصومین (ع) در نمای عبودیت عرفانی

یکی از جلوه های هدایتگر رهنمون به فرایند تربیت دینی، ادبیات مکتوب و دعاهای منقول از حضرات معصومین (ع) است که براساس همان وسعت نظر و ظرفیت عمیق و ژرف الهامبخش وجودشان، قطعاً فراتر از دعا و مناجات و گفتگوی بنده با خالق و طلب حاجت، می تواند دربردارنده راز و رمز تربیت الهی و شامل دستورها و کیفیت طی طریق بندگی و به واقع برنامه ای در راستای تربیت دینی باشد.

شهید مطهری (۱۳۸۱) معتقد است دعاهای اسلامی از جمله مناجات شعبانیه، دعای کمیل، دعاهای پانزده گانه امام سجاد علیه السلام و... دعای عرفه، که قله های بلند عرفان و معنویت و سلوک و شهود را با چشم اندازی گسترده در معرض دید اصحاب عقل و دل نهاده اند به عنوان منابع گسترده و گوناگون (دست اول) چنان وضوحی در آموزه های اخلاقی و عرفانی اسلام دارند که افرادی مانند نیکلسن انگلیسی و ماسینیون فرانسوی که مطالعات وسیعی در عرفان اسلامی دارند و با اسلام بیگانه نیستند، صریحاً اعتراف کرده اند که منبع اصلی عرفان اسلامی، قرآن و سنت است.

اوج عرفان در دعای عرفه

عرفه، یکی از زیباترین و شیرینترین دعاها و مناجات امام حسین (ع) در روز عرفه است. آن حضرت در این دعای پرمحتوا و شیوا عالیترین مضامین توحیدی را در قالب کلماتی دلنشین بیان می کند. روح عرفان و معرفت در عرصه توحید الهی در بخشهای مختلف این دعا موج می زند. دعای عرفه در بردارنده منظومه جامعی از حکمت و معرفت بویژه عرفان و عبودیت الهی است که "با دقت در سیاق کلام این دعای شریف می توان دریافت که بیانات امام (ع) در چه سطح والای عرفانی است و مهم این است که اظهار این بیانات همه در مراتب دقیق و لطیف مقامات عرفانی است به گونه ای که توجه به آنها سالکان الی الله و طالبان تقرب و وصال حق را به سر منزل مقصود می رساند و اهل عرفان را به مقامات معارف الهی آشنا می سازد" (زمردیان، ۱۳۸۷: ۴).

واقع باید گفت هم آشکارا از بند و اندرز و حکمت آشکار بسیار برخوردار، و هم مانند قرآن دارای درونی عمیق و از گوهر معنا و معرفت دریای معنویت قرآن، سرشار است. غور در مفاهیم و مبانی اعتقادی و عرفانی دعای عرفه، می تواند دستمایه ارزشمندی برای دریافت و استخراج مراحل سیر و سلوک بندگی و دستورالعمل اجرایی در تربیت عرفانی به دست دهد.

معرفه الله، اساس عبودیت متعالی و جانمایه تربیت عرفانی

بندگی خدا در قدم اول بر معرفت و شناخت حقیقی پروردگار استوار است؛ از این رو در روایت آمده است: "کسی که گناه می کند، خدا را به مفهوم واقعی نمی شناسد" (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۱۷۴). از اساسی ترین ارکان بروز و ظهور و تحقق روح بندگی در انسان، همواره خدا را حاضر و ناظر و حامی و پشتیبان دانستن است که این مهم در نتیجه معرفت میسر است و در پرتو آن بنده به عشق و حب الهی نایل می آید.

ملا احمد نراقی در این باره در باب اسباب محبت از معرفت نام می برد و می گوید: "محبت چیزی حاصل نمی شود مگر به سبب ملایمت آن چیز با طبع و معرفت آن و اتحاد میان محب و محبوب" و در اقسام محبت، چنین آورده است: "محبت آدمی به غیر به جهت احسان و نفعی که از او عاید می شود، چون انسان بنده احسان است" (نراقی، ۱۳۸۹: ۶۰۰) و چه زیبا حضرت امام حسین (ع) در دعای عرفه، احسان پروردگار را به بنده با اشارت به الطاف خفی و جلی، جزء به جزء بر می شمارد و آدمی را با معرفت بدان به عشق الهی رهنمون و نائل می سازد؛ "پس بالاترین اقسام محبت، محبتی است که خداوند عالم نسبت به بندگان خود دارد و بعد از آن محبتی است که اهل معرفت از بندگان او نسبت به آن جناب دارند" (همان) و این معرفت به ذات و صفات خداوند است که موجب محبت و عشق الهی می گردد و صدر و ذیل و ابتدا و انتها و جان کلام ادبیات و تعبیرات دعای عرفه بدان اشعار دارد و روح و جان آدمی را بدان رهنمون می سازد.

با نگاهی اجمالی به زوایای دعای عرفه از سویی به پیروی از قرآن، انسان را به تدبر و تفکر در اسرار و جزئیات هستی و وجود آدمی در راستای خداشناسی... قل الله خالق کل شیء و هو الواحد القهار (رعد/۱۶) و الحمد لله الذی خلق السموات والارض و جعل الظلمات و النور... (انعام/۱) فرا می خواند و هم چنین بر خود شناسی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) به عنوان مقدمه خداشناسی

رهنمون می سازد و از سوی دیگر با ترسیم زیبای رحمت و عنایت الهی به سایر موجودات براساس هدایت تکوینی و بویژه نقش ربوبیتش در خلقت و هدایت انسان با جلب احساسات و عواطف، بندگان را به خضوع و خشوع به آستان حضرت ذوالجلال فرا می خواند.

بررسی سؤال اول تحقیق: تعریف بندگی در نظام تربیت عرفانی از دیدگاه امام حسین (ع) مبتنی بر دعای عرفه چیست؟

بندگی، پیشینه ای در اراده حضرت احدیت بر ایجاد آفرینش دارد. آن گاه که از ازل، فقط آن واجب الوجود بود و اراده تجلی و معرفتش فرمود. حی سبحان در پاسخ و گفتگوی پیامبرش آن دم که "حضرت داود به خدا عرض کرد: پروردگارا برای چه موجودات را خلق کردی؟ فرمود: ای داود من گنج پنهانی بودم؛ دوست داشتم شناخته شوم؛ خلق را آفریدم تا شناخته شوم" (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۸۴: ۱۹۸ و ۳۴۴) و از وقتی خداوند اراده کرد بشر را بیافریند، ارتباطش با خلق آغاز شد و آهنگ بندگی در عرش و ملکوت در نهاد عالم هستی ساز و پرآواز شد؛ پس "توحید" که رسیدن به آن، غایت و نهایت و اوج و عروج بندگی است، جایگاه محوریت در آموزه قرآنی و اسلامی به خودگرفت و "عشق و حب محبوب"، شاهد شیرین این سیر از ایجاد آفرینش تا افشای علو مقام و منصب و تاج توحید و معرفت گردید. بدین سان، بندگی و توحید و خداشناسی همزاد آفرینش بشر و ذرات عالم هستی شد.

با این دیدگاه از مفهوم یابی بندگی، چشم انداز عرفه، پرمحتوا ترین مناجات و ادبیات عرفانی را به تصویر می کشد. با این دریافت به جستجوی الگوی عملی عبودیت و تعریف محتوایی بندگی در ادبیات عرفانی امام عارفان و عاشقان الهی می پردازیم.

۱- اعتقاد به مملوک و مقهور بودن بنده نسبت به عظمت و قدرت و جلال پروردگار اذعان به عظمت و شوکت و جلال پروردگار و احاطه و سلطه تام او بر جهان هستی و از جمله سراپای وجود و زندگی بنده در بیان مناجات عرفه آشکارا به عنوان نهادی از ارکان مکتب بندگی عرفانی متصور است:

یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ: ای صاحب جلال و بزرگواری
اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ وَقَدَرَ فَقْهَرَ: خدایا ای کسی که مالک آمد و توانا، و توانا است و قاهر

وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ: پروردگاری غیر از تو برای ما نیست. تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت به ما احاطه دارد و حکمی که درباره ما فرمایی از روی عدالت است.

وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: و او بر هر چیز توانا است.

۲- وابستگی و نیاز، نخستین جلوه تعریف و مرحله بندگی

با الهام از مضامین ادبیات ائمه طاهرین (س) و در راستای مفهوم یابی لغوی، «عبد» به انسانی گفته می شود که سر تا پا وابستگی به مولا و صاحب خود دارد؛ اراده اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او خود را مالک چیزی نمی داند و در اطاعت او سستی به خود راه نمی دهد. بنابراین عبودیت اظهار آخرین درجه خضوع در برابر کسی است که همه چیز از ناحیه او است. حال می توان نتیجه گرفت که تنها کسی می تواند «معبود» باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز خدا نیست؛ به تعبیر و از بُعد دیگر، «عبودیت» نهایت اوج تکامل روح انسان و قرب او به خداست؛ عبودیت تسلیم مطلق در برابر ذات پاک اوست؛ عبادت تنها رکوع و سجود و قیام و قعود نیست، بلکه روح عبادت، تسلیم بی قید و شرط در برابر کمال مطلق و ذات بی مثالی است که از هر عیب و نقصی مبرا است تعریف عبودیت و بندگی (منتهی به عبادت و توحید عبادی) در برداشت کلی اهل لغت، "غایت خضوع و تذلل به پیشگاه معبود" بوده است؛ به عنوان نمونه ای از تعاریف که تا حدی آن تعریف کلی از آن برداشت می شود، می توان بر اساس روایتی از امام صادق (ع) (مجلسی، ج ۱) بیان کرد که بندگی در سه چیز خلاصه می شود:

اول: بنده در آنچه خدا بر او منت گذاشته و بخشیده است برای خود مالکیت نبیند.

دوم: بنده خدا برای خودش (سواى خالق و ورای گواهی ضمیر باطن به نقش و تأثیر حضرت معبود) مصلحت اندیشی و تدبیر نکند.

سوم: تمام مشغولیت بنده منحصر شود به آنچه خداوند او را بدان امر، و یا از آن نهی فرموده است.

با این بیان، حقیقت بندگی تا حدی به میزان برداشت کلی و نسبی فعلی روشن می شود؛ پس بنده حضرت پروردگار کسی است که اطاعت و فرمانبرداری خداوند، شیرینی او و محبت خدا لذتش باشد؛ نیاز به خدای خود برد و حکایت خویش به او گوید و توکل و اعتماد خود بر او بندد. «عبودیت» در دیدگاه امام عرفه (ع) براساس ادبیات آغازین مناجات، همانا اعتقاد و اعتراف به

نیستی سوای حضرت خالق و مالک و پستی وجودی و نیاز مطلق نسبت به عظمت فراگیر مطلق ذات حضرت باری در قدرت و جلالت احدیت است .

بنابراین، بندگی عارفانه و حاصل تربیت عرفانی با ویژگی اظهار نیاز تام و پیوسته و مطلق تذلل و کمال کرنش در برابر پروردگار و در اطاعت محض و تسلیم تمام عیار معبود و مراد ظهور می یابد.

بررسی سؤال دوم تحقیق: مراحل بندگی در الگوی نظام مند تربیت عرفانی از

دیدگاه امام حسین (ع) مبتنی بر دعای عرفه چیست؟

۱- جلوه های نیاز در فرایند بندگی

الف - نیاز در هستی و وجود

نیاز مطلق هر موجود و آفریده به آفریدگار و صانع و ناصواب بودن هر درجه از احساس حضور و وجودی سوای وجود آفریننده و در تحت اراده و مشیت قاهر حضرت قادر متعال به تصریح در بیانات هدایتگر مناجات امام (ع) قابل توجه است:

كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ: چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند به تو است.

أَيَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُطَهَّرَ لَكَ: آیا اساساً برای ما سوای تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو گردد؟

بدین سان با این بیان و دیگر اشارات با همین مضمون، هر وجود، و ظهور موجودی را تنها و تنها در پرتو اراده حضرت خالق و مظهر لطف و عنایت او می داند و هستی مطلق و کمال وجود بی نیاز را تنها در تعریف ذاتش تبیین می کند:

بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ: به نور ذات که روشن شد بدان زمین و آسمانها و برطرف شد بدان تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین و آخرین.

در دیگر بخشهای گسترده حتی با اشاره به اجزای وجود آدمی با ارائه الگوی معرفه النفس، نیاز جزء جزء وجود آدمی را و لحظه لحظه حیاتش را در پرتو نیاز مطلق به صانع و خالق و پروردگار

بیان می کند .

در بخشهای ذیل از نمونه های تشریح جزئیات وجود گرفته تا مجموع حرکات و رفتار طبیعی آدمی در دعای ایشان بیان شده است:

عَلَائِقِ مَجَارَى نُورِ بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي: رشته های دید نور چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم...

وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي: و رشته های رگ قلبم...

وَحِمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي: و رشته و عصب مغز سرم...

وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي: و اطراف سر انگشتانم...

در ادامه با بخش ذیل، حتی رفتار و حرکات وجودی را متکی و وابسته مطلق به عنایت و امداد

خدای سبحان بر می شمارد:

وَتَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي: و خوابم و بیداریم و آرمیدنم و

حرکتهای رکوع و سجود من

اعتراف به انعام الهی و بیان مستقیم و صریح رحمت الهی در همین راستا به عنوان تجلیات

احساس نیاز در بندگی و عبودیت حق قابل توجه و دریافت است:

أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي: این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود

اعتراف دارم.

فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي: مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی، آفرینشم را

نیکو آراستی.

از این دیدگاه، انسان را از مرحله مقدماتی خودشناسی به خداشناسی و بندگی عارفانه رهنمون

می سازد.

این قالب الگوی بی بدیل و منحصر به فرد ادبیات مناجات عرفانی عرفه است که لطف و

عنایت الهی را ترسیم می کند و سپس بارها در طول مناجات، رحمت پیوسته و مستقیمش را یادآور

می شود.

ب - نیاز به توفیق الهی در هدایت و تکالیف بندگی

از بیان امام (ع) در بخشهای دعا پس از اذعان به نیاز در اجزای وجودی تا واکنشهای رفتاری

طبیعی بیولوژیک، اعتراف به نیاز به الطاف و توفیقات الهی در یافتن مسیر هدایت و سعادت دنیوی و اخروی و ادای عبادات در فرایند بندگی حضرت رحمان است.

هُوَ... الْمُؤَقَّوْ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ: تو آنی که هر کس از بندگان، کردار شایسته ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی.

در بیان ذیل امام (ع)، هرگونه دریافت معرفت آمیز از شاهکار آفرینش و توفیق شناخت الهی را در پرتو نظاره و آگاهی بر مخلوقات و کائنات را به امداد و اراده او وابسته و متکی می دانند:

وَأَيَّقُظَّتَنِي لِمَا ذَرَأَتْ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ: و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمین از پدیده های آفرینشت.

۲- نظر و تفکر در آثار و آیات و ذکر و شکر پیوسته ذات باری با اذعان عجز از ادای حق آن از بیان امام (ع)، تفکر در آثار الهی در راستای شناخت خداوند به عنوان تکلیف بندگی آشکارا به دست می آید که به عنوان مقدمه سیر طریق عرفانی صورت می یابد؛ چرا که بندگی حقیقی با معرفت پروردگار کمال می یابد و این مفهوم از مضمون کلام امام حسین (ع) دریافت می شود که می فرمایند:

إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلِ الْأَطْوَارِ: خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول اطوار به دست آورده ام.

أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي أَلْشَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ: مقصود تو از من این است که خود را در هر چیزی به من بشناسانی تا من در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم.

لذا با بخشهای ذیل از مناجات ایشان این تکلیف بندگی مورد توجه قرار گرفته است:

إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَارْجِعْ إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ: خدایا فرمان دادی که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان به سوی خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششی از انوار.

وَهِدَايَةِ الْإِسْتِبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا أَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ: و راهنمایی و بینش جویی تا بازگردم به سویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم به سویت از آنها.

نظاره جمال و جلال متجلی شده در آثار آفرینش به زیبایی در زوایای مناجات امام از سر شوق و محبت و به عنوان مشق بندگی مورد تأمل است؛ چرا که در آموزه های عرفانی، معرفت به محبت و عشق می انجامد و این عشق و شوق متأثر از معرفت در پرتو نظاره جمال و جلال لطف قادر متعال

به ثمر می رسد و اینکه به عنوان مراحل مقدماتی بندگی عرفانی از این تکلیف و جلوه بندگی نام برده می شود، دایره بر تعبیر و بخشهای بعدی امام (ع) در مناجات است که در مراتب کمال عرفانی حتی این نظاره بر آثار را مانع از مقام متعالی قرب الهی و موجب بعد روحانی و عرفانی می دانند. پس از هدایت تدریجی انسان به تفکر و شناخت پدیده های آفرینش در بخشهای عالی مناجات عرفه، مرحله عالی معرفه الله جلوه می کند که عارف در این سیر تکاملی، نه تنها خود را از توجه به آثار، مستغنی می بیند، بلکه آن را مانع از حظ درک شهودی در مقام قرب الهی می داند.

احساس حضور خداوند از نکات عالی تربیتی است که بنده عارف را به شکر و ذکر و ارتباط عاشقانه و عرفان متعبدانه وا می دارد.

إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَرَارِ: خدایا تفکر من در آثار تو راه مرا به دیدارت دور سازد.

در ادامه اشعار به وظیفه نظاره لطف الهی و شکر و ذکر پیوسته و اعتراف به ناتوانی و عجز ادای حق شکر انعام الهی چنین مضامین عرفانی ناب به کام جان می نشیند.

يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالٍ بِهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ [مِنَ الْإِسْتِوَاءِ]، ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت و پا برجا شد عظمتش از استواری.

لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُوَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ: اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر یکی از نعمتهای تو را به جا آورم، نخواهم توانست جز به لطف خود.

فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا وَذَكَرًا أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبُّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَوْ يُبْلَغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ: پس ای معبود من کدام یک از نعمتهایت را به شماره در آورم و یاد کنم یا برای کدام یک از عطاهایت به سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش حافظان بدانها رسد.

۳- شرم نقصان و استغفار پیوسته به درگاه آن مهربان از احساس کوتاهی و عصیان با استفاده از سخن شهید مطهری می توان به توضیح این دریافت از روح حاکم بر مضامین عرفه متناسب با این عنوان پرداخت که می گوید:

بشر در هر درجه و مقام باشد از خطا و لغزش مصون نیست. فرقی که افراد نسبت به یکدیگر دارند در نوع خطیئه هاست. بسا کارها که نسبت به بعضی از افراد، طاعت و عبادت است [و در عین حال] همان کار نسبت به افراد کاملتر، خطا و گناه است: «حسنات الابرار سیئات المقربین» (مجلسی، ج ۱۱). آن چیزی که نسبت به یک شخص توحید است نسبت به شخص دیگر شرک است. [لذا] بزرگان و پاکان بیشتر از دیگران استغفار می کردند.

در نتیجه تأمل در آیات و آثار آفرینش پروردگار و نظاره الطاف او بر بنده، نوعی احساس شرم از کوتاهی ادای حق شکر و نقصان حق بندگی، سراپای وجود و روح و جان آدمی را در بر می گیرد که همواره زبان به استغفار و توبه و انابه گشوده دارد و هر اندازه در مقام کمال بندگی در آید با احساس در جوار قرب الهی نیز به عنوان بنده تائب و مستغفر مستغرق در بحر عنایت حق سر برآستان درگاه رحمت و مغفرت او می ساید.

با این وصف، توبه، هم فرصت مغتنم و مژده بزرگی برای پاکی و تطهیر بندگان عاصی است و هم برای سالکان و عارفان، مرحله ای از طی طریق الی الله و زمینه ای برای قرب بیشتر به خداوند متعال براساس احساس خطا و کوتاهی دائم مورد اقبال و توجه است.

حالات و مناجات ائمه طاهرین (ع) در طلب مغفرت، هم از دیدگاه وجه عالی بندگی، یعنی احساس فقر و کوتاهی و قصور محضر پروردگار و هم از دیدگاه هشدار و انداز غفلت و آثار گناه و عقوبت الهی، مورد توجه است.

امام علی (ع) در سرآغاز دعای کمیل، در عباراتی نظیر "اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تهتکت العِصم، تُنزلُ النِّعم، تُغیرُ النِّعم" به آثار گناه اشاره دارند. همچنین می فرمایند: "صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ" (قمی، ۱۳۷۹) و در واقع، این جدایی و فراق در الگوی ادبیات متعالی توبه و انابه امام علی (ع) برای بندگان عاصی به عنوان تأثیر گناه قابل توجه است و از زاویه ای دیگر در راستای وجه متعالی ادبیات توبه در سیره معصومین به عنوان زبان حال آن الگوهای تام عرفان اسلامی مبنی بر احساس غفلت متأثر از اشتغال به کار بندگان به دلیل ضرورت زندگی انسانی در تربیت عرفانی مورد بهره برداری است.

این برداشت از مضمون ادبیات دعای کمیل در مناجات عرفه امام حسین (ع) نیز بیان شده است.

إلهی ما أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ: خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم.

از تعبیر "غفلت تدریجی" متأثر از گناه در بیان امام (ع)، که در شرح پیشین اشاره شد، می توان به مصداق احساس کوتاهی و خطای بنده عاصی استدلال کرد که آدمی را به توبه و انابه پیوسته فرا می خواند.

اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي: خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی به سوی نابودی مبر.

نمونه دیگری از کوتاهی بندگی در سلوک عرفانی، همانا وقفه و کوتاهی در طاعت است که همواره این احساس شرمندگی با وجود دوستی خدا بندگان خدا جو را به توبه سوق می دهد.

إلهی إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمِ الطَّاعَةُ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا: خدایا تو می دانی که اگر چه طاعت تو در من به صورت کاری مثبت ادامه ندارد، دوستی و تصمیم بر انجام دادن آن در من ادامه دارد.

اگر بخواهیم آنچه از روح حاکم بر یافته های این پژوهش و نتیجه آن بر می آید به عنوان چهارچوب نظام مند آیین بندگی عنوان کنیم می توان سیر تکاملی رهیافت مرامنامه ذیل را ارائه داد:

۱- حقیقت بندگی معطوف به فلسفه خلقت و تأمل در اراده حق تعالی بر آفرینش انسان و نظاره عاشقانه بر شگفتیهای زوایای وجود آدمی و انعام و الطاف عام و فراگیر منبعث از لطف حضرت پروردگار است.

۲- محبت و عشق عبودیت، رهیافت معرفت الهی و شاخص و معیار حرکت در مدار بندگی حقیقی خداوند متعال است که درجه آن معطوف به میزان رشد و کمال عرفان سالک این وادی است. سخنی از امام (ع) در باب عبادت عاشقانه، این حقیقت را تصریح می نماید:

"انَّ قوما عبدوا الله رغبةً فتلك عبادة التجار، و إن قوما عبدوا الله رهبةً فتلك عبادة العبيد، و إن قوما عبدوا الله شكرا فتلك عبادة الاحرار و هي افضل العبادة"

به تحقیق عده ای خدا را جهت طمع و آرزوی بهشت عبادت می کنند که یک نوع معامله و

تجارت است، و عده‌ای هم از روی ترس عبادت می‌کنند که عبادت عبد و نوکر است و طایفه‌ای هم به عنوان شکر و سپاس عبادت می‌کنند که این عبادت آزادگان و بهترین نوع عبادت است. (حرانی، ۱۳۰۳: ۱۷۷)

۳- اطاعت محض و تسلیم مطلق اوامر و نواهی الهی حلقه مکمل فرایند بندگی است که وجه تمایز بندگان خدا به معنای عام و معیار درجات بندگی آنان است. این تبعیت و اطاعت در تناسب و ارتباط مستقیم با معرفت خدا را می‌توان در اندیشه و بیان امام (ع) یافت و در جهت رابطه آن با حقیقت بندگی با برداشت مضمونی از سخنان و خطبه‌های گرانقدر ایشان بهره گرفت:

"لا یکمل العقل إلاّ بتابع الحق!" عقل (و شعور و بینش) انسان تکمیل نمی‌گردد، مگر با متابعت حق. (اشرفی، ۱۳۸۹: ۳۵۶)

۴- عشق و محبت به بندگان و مخلوقات حضرت پروردگار مرتبه اوج و فراز بندگی است که آدمی را از قالب پردازش صرف خود در مدار بندگی و اطاعت و عبادت خدا به نظاره مشفقانه و عاشقانه مظاهر آفرینش الهی از سایر موجودات تا انسان هدایت و رهنمون می‌سازد و در راستای خدمت، تا مرز ایثار و جانفشانی و از خود گذشتگی در راستای دلدادگی و کمال قرب الهی پیش می‌رود. جلوه‌های زیبای زندگی ائمه طاهرین علیهم السلام و بویژه پیشوای سوّم در همنشینی و سلوک، مهرورزی با بندگان خدا، دلنوازی و رفع حاجت از نیازمندان و توصیه‌های مکرر در این باب و حتی ترحم بر سایر موجودات، گواه این رهیافت پژوهش است.

بیان امام (ع) در تصریح میسر بودن حاجت بندگان توسط دینداران، این مهم را به عنوان شاخص بندگی مشخص می‌سازد:

"لا ترفع حاجتک إلاّ إلى أحد ثلاثة: إلى ذی دین، او مروّة، او حسب!" نیاز و حاجت خود را به کسی اظهار مکن، مگر به یکی از سه نفر: یا دیندار، یا جوانمرد، یا با شرافت (حرانی، ۱۳۰۳: ۱۷۸).

"واعلموا أنّ حوائج النّاس إليکم من نعم الله علیکم، فلا تمیلوا النّعم فتحوّل نقما!" بدانید که احتیاج و مراجعه مردم به شما از نعمت‌های الهی است، پس مواظب باشید که نعمتها حیف و میل نگردد و بیهوده تلف نشود که مبدل به نعمت و بیچارگی خواهد شد (اشرفی، ۱۳۸۹: ۳۸).

۵- دریافت نهایی این تحقیق تجلّی وجه اجتماعی بندگی خداست که به زندگی هدفمندانه و متعالی انسان در راستای انجام وظایف انسان نسبت به دین و پروردگارش معنا می‌بخشد. در این

وجه از بندگی، انسان نسبت به زندگی اجتماعی انسانها و نظام حاکم بر آن احساس مسئولیت می کند چرا که در پرتو حاکمیت آیین و مکتب الهی بر شاکله نظام اجتماعی و تدبیر و مشی و سلوک حاکمان دوران، رشد و کمال انسانی و نشو و نمای بندگی واقعی میسر است. سیره حضرت امام حسین (ع) و درخشان ترین جلوه آن یعنی قیام عاشورا و سخنان روشنگرانه ایشان در فواصل مناسک حج و زوایای نهضت جهانی مؤید و متکای این مدعاست که در پایان تحقیق به عنوان تیمن و تبرک و حسن ختام تقدیم می شود.

" اللهم إنك تعلم ما كان منا تنافسا في سلطان ولا التماسا من فضول الحطام و لكن لئلا نرد المعالم من دينك و نظهر الاصلاح في بلادك و يأمن المظلومون من عبادك و يعمل بفرائضك و سننك و احكامك."

در باره فلسفه قیامش فرمود: بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما اظهار شده برای رقابت در قدرت و دستیابی به کالای دنیا نیست، بلکه هدف ما این است که نشانه های دینت را به جای خود برگردانیم و بلادت را اصلاح نماییم تا ستمدیدگان از بندگانت امنیت یابند و به واجبات و سنتها و دستورهای دینت عمل شود (حرانی، ۱۳۰۳: ۲۴۳).

از سخن دیگر امام (ع)، عکس العمل مسئولانه اسوه بندگی عارفانه و عاشقانه نسبت به شرایط زمان و تقبیح زندگی مبرا از این شاخص بندگی حقیقی مشهود است:

" ان هذه الدنيا قد تغيرت و تنكرت و ادبر معروفها، فلم يبق منها الا صبا به كصبا به الاناء و خسيس عيش كالمرعى الوبيل، الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهي عنه، ليرغب المومن في لقاء الله محققا، فاني لا ارى الموت الا سعادة و لا الحياة مع الظالمين الا برما ان الناس عبيد الدنيا و الدين لعق على السنتهم يحوطونه ما درت معائشهم فاذا محصوا بالبلاء قل الديانون."

امام حسین (ع) در هنگام سفر به کربلا فرمود: راستی این دنیا دگرگونه و ناشناس شده و معروفش پشت کرده، و از آن جز نمی که بر کاسه نشیند و زندگی ای پست، همچون چراگاه تبا، چیزی باقی نمانده است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد؟ در چنین وضعی، مؤمن به لقای خدا سزاوار است و من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز هلاکت نمی بینم. به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آنهاست و مادام که برای معیشت آنها باشد، پیرامون آن هستند، و وقتی به بلا آزموده شوند، دینداران اندک هستند (حرانی، ۱۳۰۳: ۲۴۹).

نتیجه

از آنجا که تربیت در آئینه آموزه های وحیانی دایر مدار توحید است و توحید، محوری ترین آموزه قرآنی و اسلامی است و در میان اقسام توحید، توحید عبادی از جایگاه خاص و ویژه ای برخوردار و ناظر به فلسفه و هدف آفرینش انسان است در نهاد اندیشه نورانی حجت خدا حضرت اباعبدالله نیز براساس براینده روح حاکم بر دعای عرفه و دریافت این تحقیق، جانمایه تربیت ناب حسینی مبتنی بر شکوفایی فطرت آدمی در افق فلسفه خلقت وجودی است و این مهم معطوف بر شناخت و معرفت به ذات باری تعالی جلّ و علی است. پس زندگی سعادت‌مند بشر تنها در مدار این وجه متعالی بندگی معنا و مفهوم می یابد. همه لحظات زندگی بشر در دنیا باید به بندگی و عبادت اختصاص داشته باشد و روح و دوام و قوام این بندگی با تکیه بر سخن آن امام همام با معرفت و شناخت مقرون است. بواقع حرکت در مسیر صراط مستقیم الهی است که انسان از راه آن متألّه می شود و صبغه و رنگ الهی به خود می گیرد و آن سان که امام عارفان در اوج نهایی عرفان "عرفه" تا حد خدایی شدن پیش می رود و خود را تمام و کمال در جوار قرب الهی می بیند و در اوج بخشهای پایانی امام چنین بیان می کند که "...کور باد چشمی که تو را نمی بیند" و این گویای مقام و مرتبتی والا در فرایند و مرامنامه بندگی است که میان خدا و انسان متألّه جز پرده عبودیت و الوهیت نمی ماند. انسانها از ویژگی اختیار برخوردار هستند و با اراده خود می توانند در مسیر کمالی و اطاعت گام بردارند و میزان بندگی و عبادت خویش را رقم بزنند و بی شک عنصر این امتیاز بهره مندی از گوهر اندیشه و جوهر تعقل در راستای شناخت و معرفت حضرت باری تعالی است.

بنابر این آگاهی و شناخت انسان نسبت به فلسفه هستی و بویژه آفرینش انسان می تواند زمینه و بستر مناسبی برای عبودیت باشد و آن نیز با شرح و اشارتی که گذشت بر بندگی عرفانی مبتنی است. انسانها هرگاه از عقل خدادادی خویش بهره و آن را به کار گیرند به این مهم آگاهی و شناخت می یابند که خداوند یگانه، شایسته عبادت و اطاعت است و هیچ موجود دیگری در هستی این شایستگی را ندارد.

با تأمل و دریافت هدف آفرینش بشر و بعثت پیامبران، که همانا عبادت و بندگی پروردگار است، سیره سالکان تمام و کمال وادی بندگی یعنی اولیای خدا و شاگردان و رهپویان ایشان یعنی

دانشمندان راستین همواره دربردارنده این الگوی درخشان زندگی در آینه بندگی است که آنان چون عبدی ذلیل در برابر خالق خویش هستند و لحظه‌ای از عبادت و راز و نیاز و مناجات با معشوق غافل نبوده‌اند. روح عبادت و بندگی بر تمام اعمال آنها حاکم است به طوری که آنها را تابع محض اوامر پروردگار گردانیده و هوای دوست را بر خواسته‌های خویش ترجیح داده‌اند؛ زیرا لازمه بندگی خدا، خالص کردن خود از قید بتها و معبودهای ظاهری و باطنی است و هر چه انسان خود را از قید هواها و بت‌های نفسانی برهاند به همان میزان توفیق بندگی خدا را می‌یابد. این حقیقت آشکارا در ادبیات هدایتگر و آموزنده امام عارفان در مناجات متعالی عرفه مشهود است.

منابع

قرآن کریم.

اشرفی (۱۳۸۹). اسرارالشهادة. قم: طوبی محبت.

بابویه قمی، محمدبن علی بن حسین [شیخ صدوق] (۱۳۸۴). خصال. ترجمه محمد باقر کمره ای. تهران: ارمغان طوبی.

بهشتی، سعید (۱۳۸۶). آئین خردپروری. پژوهشی در نظام تربیت اسلامی بر مبنای سخنان امام علی (ع). تهران: دانش و اندیشه معاصر.

بهرام پور، ابوالفضل (۱۳۸۷). نسیم حیات (تفسیریک جلدی قرآن). تهران: آوای قرآن.

حراتی، ابو محمد الحسن [ابن شعبه] (۱۳۰۳). تحف العقول. ترجمه مروتی. قم: حبل المتین.

داودی، محمد (۱۳۷۸). تربیت دینی سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

رئسی، زهره (۱۳۸۰). روانشناسی تربیتی. تهران: نشر مانی.

زمرّدیان، احمد (۱۳۸۷). وصال العارفین. تهران (شیراز): دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شریفی، محمود و دیگران (۱۳۸۳). فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع). ترجمه علی مویدی. قم: نشر معروف.

قمی، عباس (۱۳۷۹). مفاتیح الجنان. ترجمه محمد باقر کمره ای. مشهد: به نشر.

کراچی، ابی الفتح محمدابن علی (۱۳۶۹). کنزالفوائد. قم: مکتبة المصطفوی.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحارالانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق. تهران: انتشارات صدرا.

ملکی تبریزی، جواد (۱۳۷۵). سلوک عارفان. ترجمه المراقبات فی اعمال السنه. تهران: سایه.

نراقی، احمد بن محمد مهدی ابن ابوذر (۱۳۷۸). معراج السعادة. قم: هجرت.

